

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اخلاق مدیران

تقدیم به:

پیشگاه منور حضرت مهدی صاحب الزمان «عجل الله
تعالی فرجه الشریف»، روح ملکوتی معمار کبیر
انقلاب اسلامی و شهیدانی که بر بام آن سرود ایمان و
شجاعت سر دادند.

پیشگفتی به:

محضر معلم اخلاق، رهبر فرزانه انقلاب، حضرت
آیت الله العظمی خامنه‌ای «مدظله العالی»



اخلاق مدیران

ناشر: توسعه قلم / تیراز: ۵۰۰۰ نسخه
نویسندگان: ازل - ۱۳۸۷ / چاپ و لیتوگرافی: سپهر
حروفنگاری: نحوی / همکاری در نشر: فرتاب
ISBN: 978-964-7801-41-6 / شابک: ۶-۴۱-۷۸۰۱-۹۶۴-۹۷۸

قیمت: ۲۵۰۰۰۰

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

- قم: خ سمنیه، قبل از میدان رسالت، پلاک ۱۰
- تلفن: ۰۲۵۱-۷۷۳۶۹۷۰ - ۰۲۵۱۹۲۲۵-۳۵۱۹۲۲۵-۹۱۲

خالقی، محمدجواد -

اخلاق مدیران/مؤلف: محمدجواد خالقی / قم: نشر توسعه قلم، ۱۳۸۷.
ISBN 978-964-7801-41-6 ۲۵۶ ص.

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. مدیریت و سازماندهی ۲. مدیران - اخلاق حرفه‌ای ۳. مدیریت (اسلام). الف. عنوان. ب. محمدجواد خالقی.

ت ۵ ح ۵ / LB ۲۸۰۵ / ۳۷۱/۲

پ ۱۳۸۷

۱۱۹۲۱-۸۷م

کتابخانه ملی ایران

فهرست



۷ مقدمه
۹ راه‌زندگی در نظام اسلامی (آیه‌الله جوادی آملی)
۱۰ جهت‌گیری در زندگی
۱۳ تفسیر وجه‌الله
۱۴ علی (ع) الگوی خدمتگزاری
۱۷ عوامل سعادت آفرین (آیه‌الله احمدی میانجی)
۱۸ عوامل و موانع سعادت
۲۶ معرفت و عبودیت
۳۰ تقوا
۳۲ تعقل و تفکر
۳۵ هجرت
۳۹ تقوای الهی و ضرورت عمل صالح (آیه‌الله استادی)
۴۱ پاداش در مقابل عمل
۴۳ آرزوهای مانع توبه
۴۵ دوستی و دشمنی توأم با عمل
۴۶ امر و نهی با عمل

- ۴۸ بدی خود را قبل از دیگران دیدن
- ۴۹ همنشینی با افراد خداشناس
- ۵۰ گناه خود را قبل از دیگران دیدن
- ۵۱ عبادت راز آفرینش (آیه الله اشتهاردی)
- ۵۵ راه جلوگیری از نفوذ شیطان
- ۵۷ دشمن در برابر دین ناتوان است
- ۵۷ خداوند همیشه عبادت می‌شود
- ۶۳ اقسام دوست در نگاه دین
- ۶۴ دوست اول: عمل انسان
- ۶۸ دوست دوم: فرزندان
- ۶۹ دوست سوم: مال و ثروت
- ۷۳ همنشینی با ذکر الهی
- ۸۵ عبرت آموزی
- ۸۶ عوامل نزول بلا
- ۹۱ پدیده‌ها عرصه تجلی خداوند
- ۹۲ توجه به دنیا و خطرات آن
- ۹۹ درک فضیلت آیام سرنوشت ساز
- ۱۰۳ تبلیغ
- ۱۰۹ وظایف کارگزاران (آیه الله امینی)
- ۱۱۰ توجه به سرنوشت حاکمان پیشین
- ۱۱۱ عمل صالح
- ۱۱۲ غلبه بر هوای نفس
- ۱۱۴ وظایف مسئولان در برابر مردم انقلابی ایران
- ۱۱۷ مدیران و سلوک معنوی (آیه الله انصاری شیرازی)
- ۱۱۸ مراحل سلوک معنوی
- ۱۳۳ خدمت به مردم ترقی و تکامل معنوی (آیه الله دیباجی)
- ۱۴۱ خیر خواهی مدیران (آیه الله کریمی جهرمی)
- ۱۵۵ عبادت؛ راز خلقت و آفرینش (آیه الله شاه آبادی)
- ۱۶۷ هدایت بشر

۱۷۹	غنیمت شمردن عمر
۱۹۷	بازتاب اعمال
۲۰۱	توبه
۲۰۷	اصلاح و اخلاق (آیه الله صابری همدانی)
۲۱۵	اسوه های اصلاح و اخلاق
۲۱۷	جایگاه اخلاق در دین
۲۲۵	اخلاق کارگزاران (آیه الله محفظی)
۲۳۷	کارگزاران نظام اسلامی؛ فرصت ها و بصیرت ها (آیه الله ممدوحی)
۲۴۹	مسئولیت کارگزاران نظام اسلامی (آیه الله مؤمن)

www.ketaboo.com

مقدمه

مدیران، انسان‌های فرهیخته و خدمتگزاری هستند که مقطعی مهم از عمر خویش را صرف تمشیت امور فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌کنند. آنان معمولاً از تحصیلات عالی برخوردارند و با مقوله‌های فرهنگی به خوبی آشنايند، و نیز به عبادت، تهجد و راز و نیاز، عشق می‌ورزند و حضور در حلقه‌های اخلاق و تذکر را دوست دارند، اما کثرت کارهای اجرایی، چنین فرصتی را کمتر در اختیارشان می‌گذارد. از همین رو استانداری قم بر آن شد تا با دعوت از اساتید اخلاق، این فرصت را ایجاد کند تا هر از چندگاهی مدیران استانی را در یک فضای صمیمی با یکی از اساتید برجسته اخلاق، دور هم بنشانند تا با یادآوری نکته‌های دینی و اخلاقی برای ادامه‌ی بهتر کار آماده شوند. این سخنرانی‌ها به طور منظم ایراد و همگی ضبط شد. آن‌گاه به نظر رسید که به نوعی در اختیار عموم مدیران و کارگزاران قرار گیرد. برای این کار، ابتدا از نوار پیاده شد، سپس با نظارت و سر ویراستاری برادر

ارجمند، جناب آقای ابوالفضل طریقه‌دار ویرایش و بازنویسی گردید و مصادر و منابع آن استخراج شد و اینک به صورتی که ملاحظه می‌کنید در اختیار قرار گرفته است.

در این جا لازم است از تلاش همه عزیزانی که در پیاده‌سازی، استخراج منابع، ویرایش، بازنویسی، حروفچینی و غلط‌گیری این اثر، سعی و افری از خود نشان دادند، صمیمانه تشکر نمایم. اجْرُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ.

محمدجواد خالقی

دی ماه ۱۳۸۲

راه زندگی در نظام اسلامی

آیه‌الله جوادی آملی

اکنون نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان الگویی سیاسی در جهان مطرح می‌باشد و مسلمانان چشم به راه تحولات مطلوبند. بنابراین اقتضا می‌کند که مدیران بزرگوار کشور، به خصوص در استان قم - که نمودار و عصاره نظام است - و خود نیز عصاره قم شناخته می‌شوند، از فرصت‌ها استفاده بهینه داشته باشند.

در صورت بهره‌گیری متناسب از امکانات، مدیریت ما می‌تواند، نه تنها ایران بلکه جهان اسلام، حتی جهان معاصر را - که تشنه عدل و معنویت است - سیراب سازد و ملت‌ها را مشتاق اسلام کند و از معارف و قرآن و عترت برخوردار نماید. تلاش امام راحل، همین مقصود را دنبال می‌کرد.

تردید نیست که چنین کاری سترگ خواهد بود. اینکه چند مدیر در استان قم بتوانند مدیریتی مطلوب و پاسخگوی نیاز و انتظار

ملت‌های جهان داشته باشند، دشوار است، ولی می‌دانیم که هیچ کاری در ارتباط با عنایت الهی، سنگین نیست. اگر در کارهای خود، الهی فکر و عمل کنیم، باید قدرت حق را در نظر آوریم، نه قدرت خویش را. آشکار است که با توان محدود و ناچیزمان، نمی‌توان انتظاری داشت و از طرفی نشان می‌دهد که می‌خواهیم خودمان را مطرح کنیم و توجه به قدرت خداوند نداریم.

نگرش‌های بیگانه با توحید، مدیریت‌های سالم و موفق را به بار نمی‌آورد و مشکل ما را حل نمی‌کند. در دنیا از این نوع مدیریت‌ها و مدیران - که فقط تکیه بر موقعیت و برنامه‌های خود دارند - فراوان هستند و هیچ کاری از آنان ساخته نبوده و نیست. این نوع نگرستن - که بیگانه با ایمان به غیب است - از خام‌اندیشی مدیران غافل از قدرت حضرت حق حکایت دارد. از همین رو، باید حکمت و عنایت حضرت حق را مافوق‌اندیشه و طرح و مدیریت خود دانست.

جهت‌گیری در زندگی

برای اینکه بتوان از زندگی نصیب مطلوب حضرت اله را داشت، باید راه زندگی را جست؛ همان راهی که انبیا و اولیا طی کرده‌اند. تا بصیرت در ما نباشد و مفهوم حیات و مرگ را به درستی کسب نکنیم، قدمی درست برنداشته و دایم در غفلت و خسران خواهیم بود. مدیرانی که می‌خواهند در مدیریت خود، نمونه و الگوی رفتاری دیگر مدیران خدمتگزار کشور باشند، باید به این نکته پی ببرند و ذهن خود را برای درک حقیقت حیات آماده سازند.

اگر قرار است که آدمی به قرآن و عترت علیهم‌السلام نظر داشته باشد و بر پایه

تعالیم نورانی آنان حرکت کند، عنوان وجه‌الله بر اعمال او صدق می‌کند؛ یعنی خیر و عزت ما، استمرار می‌یابد و مسئولیت و مدیریت در نظام مقدس اسلامی مان، رو به شایستگی می‌رود و سرمشق مسلمان و دیگران می‌شود.

فلسفه وجه‌الله، این است که ما می‌خواهیم برای همیشه بمانیم و از مردن و تباه شدن نفرت داریم. بی‌تردید، این خواسته حاکی از جمال‌گرایی ما می‌باشد و بسیار مطلوب است. ولی باید توجه داشت مراد، آن نوع زنده بودن است که آب حیات تلقی می‌شود. وگرنه زندگی حیوانی، ارزش ندارد و نباید آرزو مند بقای آن باشیم.

آنان که حقیقت، خلقت و جهان را می‌شناسند، به ما آموخته‌اند که از این زندگی ظاهری دنیا باید هراس داشت. از این مرگ صورت فکن تا نترسی

از این زندگی ترس که اکنون در آنی مردن، نامطلوب است و طبعاً انسان باید از مرگ بترسد. مقصود، آن مرگی است که هلاکت انسان را سبب می‌شود و اثری نیکو از آن برجای نمی‌گذارد. آدم مرده، در حقیقت فردی بی‌خاصیت است و اثر مثبت علمی، عقلی، فرهنگی و اجتماعی ندارد. بسیاری از افراد بشر، جنازه عمودی‌اند و بعد به جنازه افقی تبدیل می‌شوند! باید از آن کسی که دنیا و آخرت را خلق کرده، جو یا شد که مرگ و زندگی چیست و چه کسانی مرده و چه افرادی زنده‌اند؟ مفهوم حقیقت مرگ و حیات را حضرت اله می‌داند.

وجود مبارک پیامبر ﷺ فرمود: به همراه قرآن بروید و ببینید که چه می‌گوید. قرآن فرمود: «همه مرده‌اند»؛ یعنی همه تباه شده هستند، همه چیز و همه کس هلاک گشته‌اند، قرآن نفرمود که همه می‌میرند:

﴿كل شيء هالك الا وجهه﴾^۱

جز ذات او همه چیز نابود شونده است.

اگر کسی به نام خدا قیام نکند، برای او زنده نباشد و خدمت نکند، فردی مرده است. گاه این مرده، عالمی ست که در ظاهر به دیگران تعلیم می دهد و زمانی رئیس و مدیر است که خود را خدمتگزار مردم می خواند.

و جود مبارک امیرالمؤمنین علیه السلام درباره عالمان بی عمل فرمود که آنان مرده اند:

الصورة، صورة الانسان، والقلب، قلب الحيوان و ذلك ميت الاحياء؛^۲

صورتش، صورت انسانی ست و قلبش، قلبی حیوانی؛ در واقع، او مرده‌یی در بین زنده‌هاست.

اگر زندگی ابدی وجود نداشته باشد، ما را بدان دعوت نمی کنند. معلوم می شود که راه زندگی باقی وجود دارد و به تعبیر قرآن کریم، همان وجه الله است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

دوروار مع کتاب الله حیث ما دار، إقرؤوا کتاب الله حیث نھاك و اذا لم ینھك فلم تقرأه.

به فرموده حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم اگر دیدی که قرآن می خوانی و در اخلاق و خدمت‌رسانی تو تأثیری ندارد و تو را از ظلم و تجاوزگری به حقوق مردم باز نمی دارد، خودت را به رنج میفکن، چرا که در حقیقت قرآن خوان نمی باشی.

حیات، گاه گیاهی ست؛ نوجوانی که خوب می خورد و می پوشد و راه می رود، حیاتی گیاهی دارد؛ یعنی نهال خوبی ست. اگر کسی به لحاظ

موقعیت اجتماعی رشد کرد و معاون یا مشاور رئیس شد، طبعاً از این که به دیگران فرمان می‌دهد و آنان در برابر او خاضع و تسلیمند، لذت می‌برد. این شخص، تازه به حیات حیوانی‌اش رسیده و از آن بهره می‌برد. در حقیقت، چنین مدیری حیوان خوبی است! زیرا همه این لذت‌ها، در حیوان و دنیای او وجود دارد. اما اگر مدیر یارئسی از اینها گذشت، پای به دالان ورودی عدل نهاده است.

شما اگر به سیرک رفته باشید، می‌بینید که شیر از ریاست لذت می‌برد و اگر بر خورد نامناسبی ببندد، پرخاش کرده و هجوم می‌برد. پس تا زمانی که حالات مشترک انسان و حیوان در ما وجود دارد، در حیات حیوانی و گیاهی می‌باشیم و اگر ما به عنوان انسان، کارهای زشت و ناپسند آنان را انجام دهیم، از آنان پست‌تر می‌شویم.

قرآن کریم، کتاب اهانت نیست و سراسر ادب است، نمی‌خواهد به کسی ناسزا بگوید، ولی واقعیت‌ها را کتمان نمی‌کند و انسان‌هایی را همانند چارپایان، بلکه پست‌تر می‌داند:

﴿لهم قلوب لا یفقهون بها و لهم اعین لا یبصرون بها و لهم آذان لا یسمعون بها اولئک کالاتعام بل هم اضل اولئک هم الغافلون﴾^۱

دل‌هایی دارند که با آن [حقایق را] دریافت نمی‌کنند و چشمانی دارند که با آن نمی‌بینند و گوش‌هایی دارند که با آن نمی‌شنوند، آنان همانند چارپایان بلکه گمراه‌ترند [آری] آنها همان غافلانند.

تفسیر وجه‌الله

گفتیم که ما آهنگ همیشه زیستن داریم، اکنون باید به دنبال راهی باشیم که ما را به حیات انسانی نزدیک سازد. همچنین گفته شد که صراط حیات «وجه‌الله» است؛ یعنی جهتگیری خالصانه به سمت خشنودی

خداوند متعال.

به منظور دستیابی به وجه‌الله با هدف متعالی زندگی، نیاز است که انسان دو راه عنصری را حفظ کند: نخست، حُسنِ فعلی و دیگری، حُسنِ فاعلی. مقصود از حُسنِ فعلی، این است که کاری بر پایه کتاب و سنت - که همان حق است - انجام گیرد. به تعبیر دیگر، اقدام و عمل و مدیریت‌ها، عقل‌پسندانه و متناسب با عدل و انسانیت باشد.

مراد از حُسنِ فاعلی، این است که در صحنهٔ نفیسِ شخص، جز خداوند و رضوان او، چیزی نقش نداشته باشد. در این صورت، شخص مطرح نیست، خدمت ارزش پیدا می‌کند و خدمت‌گزارانِ مؤمن و خالص، از مدیر و نیروهای تابعِ مدیریت، به دنبال خیر و صلاح عموم می‌باشند و خود را وسیله‌ی در جهت خدمتگزاری می‌دانند.

زندگی انسان با این تفسیر و نگرش، رنگ جاودانگی می‌پذیرد و سربلندی او را در محضر حق و اهل بیت، سبب می‌شود. مدیران لایق - که همواره به دنبال کمال نفسانی خود و دیگرانند و نمی‌خواهند قداست نظام جمهوری اسلامی درهم شکسته شود - سعی در سلوک انسانی خواهند داشت. آنان فراتر از مصالح شخصی و گروهی می‌اندیشند و مدیریت را نردبان قدرت و منفعتشان نمی‌دانند.

علی علیه السلام الگوی خدمتگزاری

بی‌شک مقام امیرالمؤمنین بالاتر از درک و تصور ماست، ولی می‌توان تا حد امکان، از شیوهٔ آن حضرت پیروی کرده و زندگی سالم داشت. کتاب شریف نهج البلاغه، مسبوق به کتاب الفهارات است. نویسندهٔ آن برای اینکه سخنان حضرت امیر علیه السلام را در خصوص غارت‌های امویان از گزند نابودی حفظ کند، به تألیف این کتاب پرداخت. بسیاری از مباحث نهج البلاغه، از آن گرفته شده است.

مؤلف الغارات، با چند واسطه از یکی از اساتید خود نقل می‌کند: من کودک بودم و همراه پدرم به مسجد رفتم. حضرت امیر علیه السلام مشغول خطبه خواندن بود و پدرم مرا روی دوش خود نشانیده بود که خفه شوم و نیز حضرت را ببینم.

امیرالمؤمنین علیه السلام را دیدم که در حال سخن گفتن، مدام آستین خود را تکان می‌داد. به پدرم گفتم: به دلیل زیادی جمعیت است که امام دست تکان می‌دهد؟ گفت: نه، پسرم. آن حضرت، فقط همین یک پیراهن را دارد که تازه آن را شسته است. چون هنوز خشک نشده، این کار را می‌کند که خشک شود.

در پایان، یادآور می‌شوم که استان قم، باید نمونه‌یی چشمگیر در کشور، بلکه جهان اسلام باشد. قم، حرم اهل بیت علیهم السلام است و مهد علوم قرآن و عترت. بنابراین مدیران محترم این استان، باید مدیرانی لایق باشند و از خدمت صادقانه دریغ نورزند، و مسئولیت خود را چنانکه درخور این شهر و مایه اعتبار نظام و انقلاب است به نیکی انجام دهند؛ در این صورت جهان اسلام، به سمت نظام گراییده و از مدیران مؤمن و متعهد ما الگو خواهد پذیرفت.